

آموزش روانی - اخلاقی

- در سال گذشته کلاسی بنام دوره
- آموزش روانی-اخلاقی در دانشکده
- افسری تأسیس گردید از آنجائیکه
- سخنرانی های کلاس مزبور مورد توجه
- همقطاران گرامی واقع شده و اغلب
- برای تهیه آن بدایره تعاون و انتشارات
- مراجعه میفرمایند از این شماره مطالب
- مزبور متدرجاً در مجله ارتش چاپ
- و در دسترس خوانندگان محترم
- کتاباره خواهد شد .

لزوم آموزش روانی - اخلاقی

عصر کنونی بعقیده عموم دوره پرشور و شوریست در مذهب فلسفه سیاست و علم اخلاق هنوز بجائی نرسیده و همه را یادیده شک و تردید مینگریم مذاهب قدیم جلب نظر عده ایرا نمیکند و بعقیده عده دیگر مذهب بازندگی روزانه منافات دارد فلسفه نیز پیام روشن و آشکاری برای ما نمیآورد اشخاص عادی بدون آنکه در فلسفه دقت کنند بایک نظر سطحی از آن میگذرند و فقط از دور صدای مبهم و ضعیفی از آن میشنوند حتی در سیاست نیز ریشه عقاید اساسی سست گشته و دولتهای توانا بر بنیان آزادی و عدالت پشت پازده اند تقریباً در همه جا باوجود فراوانی باز فقر و فلاکت ادامه دارد و همین فقر و

(۱) برای تهیه این مقاله کتابهای زیرین مورد استفاده قرار گرفته است :

اصول چنگ : مارشال فاش - اخلاق و تربیت : از انتشارات دانشکده سن سیر فرانسه .

عتیده و عمل تالیف و ایگونت سوئل انگلیسی (ترجمه آقای مصطفی علم)

فاقه و عدم رضایت مردم پایه و بنیان جامعه های کنونی را متزلزل و اساس آنها را تهدید میکند مردم از جنگ هائیکه در جریان است و نزاعهائیکه ممکن است در آینده پیش آید میترسند و حس میکنند که در خانواده خالی از امنیت و آسایشی زیست مینمایند و بطور کلی عموم وحشت زده و مضطرب هستند و نمیدانند تکلیفشان چیست.

این دوره پرشروشور که جز ناراحتی شامل چیز دیگری نیست دنیائی را مشوش کرده است نظری بخاور و بباختر بخوبی ثابت میکند که در بین تمام اقوام و ملل جز ناراحتی تردید و بلا تکلیفی چیزی حکمفرما نیست اطمینانی بعقاید گذشتگان و آنچه بر روی پایه و بنیان نظریات آنان استوار گشته وجود ندارد از طرف دیگر نسبت بعقاید جدید و نظمهای نوین نیز تشتت افکار عجیبی برقرار است.

بعضی از اشخاص بهیچ چیز عقیده ندارند و گوش بحرف هیچکس نمیدهند برخی بعقاید مذهبی چسبیده و مطابق النعل بالنعل طبق اوامر آن رفتار میکنند عده ای دیگر در پرتو فلسفه و تجربیات خویش راهی را پیش گرفته و از آنچه که از این استاد و آن آموزگار یاد گرفته اند نتیجه ای برای خود میگیرند ولی اینهم کافی نیست در حقیقت میتوان دوره کنونی را دوره هرج و مرج عقاید نامید.

از طرف دیگر انسان در درون اینهمه تردید و ناپایداری راحت نیست و احتیاج بنقاط اتکالی دارد که باتوسل بآنها بتواند چند روز عمر گذران خود را در درون دویای متلاطم زندگی باراحتی خیال بر گذار نماید بساید هر طور شده نقاط انکاء یا اصولی بدست آورد، اصولی که مسانند آتش چوپان بتواند کشتی طوفان زده زندگی را هدایت کند.

بدون شك باید مقیاس و معیاری بدست آورد که عموم آنرا قبول کنند و در نظر همگی درست و صحیح باشد زیرا در غیر اینصورت و باچنین ترس و تردید بنیان زندگی اجتماعی ما بسیار سست و لرزان خواهد بود.

با اوضاعی که توصیف شد چه میتوان کرد و چه راهی برای نجات ما

باز است؟ آیا خوبست بعقیده اسلاف خویش باز کردیم و بمذهبی ایمان آوریم و راهی را که آن مذهب بمانشان میدهد پیش گیریم؟

آیا درست است که ما بگوئیم آزادی عقیده و عمل ما را بچنین دوره پرشرو شوروی کشانیده پس بهتر است که از آزادی صرف نظر کنیم و گوش بحرف کسی دهیم که توانائی در دست گرفتن تمام امور و عقاید را داشته باشد عبارت دیگر آیا خوبست از ترس خرابیهای بیشتر خود را در اختیار قائد مستبدی قرار دهیم؟

آیا خوبست مانند گیون چنین گوئیم که «تاریخ غیر از ثبوت جنایتها بدبختیها و خونریزیهای بشر چیز دیگری نیست؟ و چرا حالا هم همانطور نباشد.

توافق نظر بین مذهب و فلسفه؟ آیا تا کنون چنین توافق نظری حاصل شده است؟ آیا ممکن است پایه‌ای برای این توافق نظر استوار ساخت؟ بالاخره حق انسان چیست؟ حقیقت کجاست؟ درست و نادرست صحیح و خطا کدام است؟ آیا خوبست جنایتها و خبط و خطاها و فلاکتهای بشری را نادیده انگاریم و با کمال بردباری آنچه نصیبمان میشود تحمل نمائیم.

در اینصورت یأس و بدبختی دیربازود بسراغ ما خواهد آمد. مسائل بزرگ و سنگینی در پیش و در نتیجه شایسته نیست که بهر چیزی بابی اعتنائی و بیقیدی نظر افکنیم و در خصوص تشخیص و ادای وظیفه خود سهل انگاری نمائیم. *راه بیان علوم انسانی و مطالعات فرهنگی* یک راه دیگر در پیش و آن عبارت از بررسی بمنظور یافتن نقاط اتکاء و اصول میباشد.

* * *

نقاط اتکاء و اصول بالنسبه ثابت و پایدار برای افسران بیشتر مورد احتیاج است.

میدانیم که وظیفه اصلی افسران در تمام مدت خدمت خود عبارت از تشکیل دادن، فرماندهی کردن، اداره نمودن، ورزیده ساختن، تربیت کردن عده‌ها و هدایت نمودن عملیات است (هنگام رزم).

اسباب کاراولیه افسران عبارت از سرباز یعنی انسان و انسان بحال جمع یعنی انسان اجتماعی است.

از گفته های بالا چنین نتیجه میشود که افسران برای اینکه بتوانند وظیفه خود را درست انجام دهند باید انسان و عده‌ها یعنی اجتماعات انسانی را بخوبی بشناسند.

افسران باید انسان را از لحاظ جسمانی بشناسند در حقیقت افسرانند که باید برنامه خوراک خواب ملبوس مقدار هوای لازم برای هر آسایشگاه تمرینهای مختلف خستگیها و ساعات استراحت نقرات خود را تعیین نمایند چگونه میتوان بدون شناختن کارخانه آدمی راجع بنکات بالا تصمیم صحیح اتخاذ نمود؟

افسران باید راجع بعقل آدمی اطلاع کافی داشته باشند زیرا آنها باید سربازان، درجه داران و بنوبه خود افسران زیر دست را تربیت نمایند.

افسران باید راجع بقلب و اراده انسان اطلاع کافی داشته باشند زیرا وظیفه آنان چنین حکم میکند که نزد سربازان خود حس فداکاری ارادی نسبت بمیهن را ایجاد نمایند و هنگام رزم وظیفه اصلی آنان آنستکه قلب زیردستان خود را جلب و قلب دشمنان را مرعوب سازند.

رزم عبارت از مقصد نهائی ارتش و انسان اسباب اولیه رزم است بدون شناسائی صحیح آدمی نمیتوان هیچگونه عمل مفیدی در ارتش انجام داد از قبیل سازمان انضباطی، کتیک و غیره (آوادان دو بیگ).

این موضوع دارای حقیقت بارزیست بل وجود این چنین بنظر میآید که این مسئله مسلم اغلب از نظر مربیان سابق ارتشها فراموش شده است بقسمی که در گذشته ممکن بود شخص از تمام مدارس نظامی و حتی دانشگاههای جنگ بارتبه اول خارج شود بدون آنکه راجع بیک عضله، عصب، حرکت انعکاسی، اراده و اخلاق کوچکترین اطلاعی داشته باشد.

بدون شك راجع ببعضی از این مطالب اطلاعاتی آموخته میشود مثلاً راجع بعضیات و استخوان بندی بدن صحبت میشود لیکن در درس اسب شناسی!

موضوع تعجب آور آنکه باین نکته پی برده شده بود که برای درست تربیت کردن اسب باید دانست که ساختمان بدن آن چگونه است لیکن باین نکته واقف نشده بودند که برای درست تربیت نمودن نفرات لازم است بدانیم که بدن آنان چگونه ساخته شده و بویژه در مغز و قلب آنان چه چیز یافت میشود. همین فراموشی در آئین نامه‌های نظامی نیز مشاهده میشود مثلاً در آئین نامه‌های سوار و توپخانه صفحات زیادی وقف طرز تربیت اسب شده در صورتیکه برای تربیت نفرات جز چند سطر مختصر یافت نمیشود.

در حقیقت نویسندگان سابق آئین نامه‌ها لزوم شناختن بدن، مغز و اخلاق آدمی را برای خوب فرماندهی کردن منکر نبوده لیکن چنین تصور میکردند که تماس روزانه با عده و تجربه شخصی افسران کافی است که بتدریج انسان را بشناسند و راه هدایت کردن صحیح او را ضمن عمل بیاموزند در نتیجه نسبت بآموزش روانی، اخلاقی و اجتماعی چندان نظر مساعدی نداشته و چنین میپنداشتند که زمان صرف شده برای اینگونه تعلیمات در صورتیکه برای تکمیل اطلاعات فنی افسران بکار برده شود به مراتب بهتر است.

بدون شك تجربه برای آدم شناسی افسران فوق العاده لازم است و آموزش روانی - اخلاقی به چه چوه ادعای آنرا ندارد که تجربه را جانشین گردد.

لیکن هر چند که برای پزشك خوب شدن تجربه لازم است اما کیست بتواند ثابت کند که برای اینکار تنها تجربه کافیسست در حقیقت تجربه لازم برای یکنفر پزشك روی اطلاعات علمی قبلی بظاهریست که (از قبیل زیست شناسی، تشریح،

کالبدشناسی، علم امراض و غیره) علوم انسانی

برای افسر مربی نیز همیتقسم است تربیت یکنوع هنریست و از این نقطه نظر نمیتوان آنرا تحت قانون در آورد لیکن در عین حال تربیت روی اطلاعات روانشناسی، اخلاق و جامعه شناسی متکی است که هر يك از افسران باید از آنها اطلاع کافی داشته باشند.

بعلاوه اطلاعات مزبور رسیدن به نتایج تجربه را تسریع خواهد کرد برای افسری که راجع به روانشناسی اطلاعات دقیقی داشته باشد مشاهده نفرات

کار سهل و مفیدی میگردد افسری که دارای اطلاعات اخلاقی باشد قادر است که زیردستان خود را درست هدایت و از انحراف آنان جلوگیری نماید. بالاخره افسری که با اصول تربیت آشنا باشد و از اصول مزبور منحرف نگردد ضمن عمل از اشتباهات شخص مبتدی و آزمایشهای بی نتیجه اولیه اجتناب خواهد نمود.

بدین ترتیب بخوبی مشاهده میشود که اطلاع یافتن بمسائل روانی اخلاقی برای افسران لازم است و این موضوع باید جزء برنامه عادی آموزش آنان قرار گیرد لیکن امروزه اوضاع و احوال عمومی قسمی است که موضوع آموزش روانی اخلاقی را برای افسران بهر اتبلازم تر میگرداند.

امروزه عقاید مختلف از هر سو باشکال متفاوت خود نمائی میکنند و در نتیجه فکر افسران را بیش از پیش متشتت میدارد کلمات ایدئالیسم، رئالیسم، ماتریالیسم، اسپیریالیسم، ناسیونالیسم، انترناسیونالیسم، اندیویدوالیسم، شوینیسم، آزادیخواهی، ارتجاع و غیره از چپ و راست فضا را پر کرده و محیط گیج کننده ای تولید کرده اند که شخص حتی از تشخیص وظائف اولیه خود نیز عاجز میماند.

با وضعیت کنونی چنانچه افسران تنها بمعلومات نظامی خود اکتفا کنند و راجع بمطالب بالا قبلاً فکر خود را آماده و مجهز نسازند زود باور و تلقین پذیر میگردند و در نتیجه دستخوش تبلیغات مختلف قرار می گیرند و بیم آن میرود که در روح نظامی آنان خللی وارد گردد. *اطلاعات فرعی*

امروز دیگر میسر نیست که افسران دور خود را دیوار پولادین کشند و نغمات بالارا نادیده انگارند زیرا نفرات که از کلیه طبقات کشور وارد سربازخانه میشوند هر کدام بر حسب محیط و شغل قبلی خود دارای افکار و عقاید مختلفی هستند که افسران باید آنها را بایکدیگر وفق دهند.

میدانیم که برای عمل نمودن قبل از هر چیز ایمان لازم است و ایمان هم مستلزم وحدت فکر و توافق نظر است.

برای آنکه افسران بتوانند نفرات خود را درست تربیت و در آنان روح

ایمان و وحدت نظر ایجاد کنند لااقل باید معانی صحیح کلمات بالا را بدانند تا از طرفی قادر به تقویم صحیح و تشخیص صحت و سقم عقاید مختلف گردند و از طرف دیگر بتوانند از اشتباهات و انحراف زیر دستان خود بموقع جلوگیری و آنانرا براه راست رهبری نمایند مثلا چنانچه افسران بطور صریح ندانند که میهن یعنی چه و برای چه باید آنرا پرستید چگونه میتوانند زیر دستان خود را باین نکته معترف سازند که در راه میهن باید جان خود را بی ریا فثار نمود؟

برای توانستن باید دانست و این موضوع غیر قابل بحث است زیرا از دانستن تا توانستن باندازه يك جستن فاصله است لیکن این فاصله از دانستن است تا توانستن نه از ندانستن، (ویلیزن).

در حقیقت دانستن که شرط لازم است بزودی ایمان، اعتماد بنفس و استعداد اخذ تصمیمهای روشن تولید و قدرت عمل ایجاد می کند و مرد عمل جبار می آورد.

ژنرال پوکر چنین میگوید: موقعیکه فرماندهی بطور یقین حس کند با اطلاع است و موقعیکه بداند بوسیله معلومات خود میتواند در وضعیتهای خیلی بفرنج بسهولت خود را توجیه کند اراده اش استوار میشود و این خصلت را پیدا میکند که بموقع تصمیم رزروا نشنی بگیرد و آئینا بمورد عمل گذارد.

بعکس فرماندهیکه بنادانی خود آگاه یا احتیاج داشته باشد که بسا دیگران مشورت کند همیشه مرد دو دودل است و بسهولت روحیه خود را از دست خواهد داد.

« برای مرد جنگی خصائل روحی بیشك در نخستین درجه اهمیت واقع است لیکن در صورتیکه افسران برای تعیین اینکه چه مقصدی را باید پیروی کرد و برای رسیدن بآن چه راهبائیرا باید پیمود باندازه کافی مطلع نباشند در اینصورت جدیت تنهاچه فایده دارد.»

گفته های بالا که در خصوص معلومات نظامی افسران ذکر شده عمومیت دارد و بویژه برای اطلاعات روانی - اخلاقی آنان نیز صدق میکند.

لیکن تنها کافی نیست که گفته شود باید فلانکار را کرد و از فلانکار اجتناب نمود بلکه باید دانست که بچه علت فلانقسم رفتار نمودن خوب و فلانقسم رفتار کردن بد است بعبارت دیگر پس از آنکه قوانین اصلی رفتار آدمی معین شد لازم است اصولی تعیین که در نتیجه فعالیت آدمی طبق آنها هدایت گردد علم اخلاق اینکار را برای ما انجام میدهد.

اسلوب آموزش روانی اخلاقی

اکنون ببینیم چگونه باید مطالب روانی - اخلاقی را بررسی نمود؟ منظور از بررسی مطالب روانی اخلاقی آنستکه افسران بتوانند معلومات نظری خود را در عمل بکار بندند.

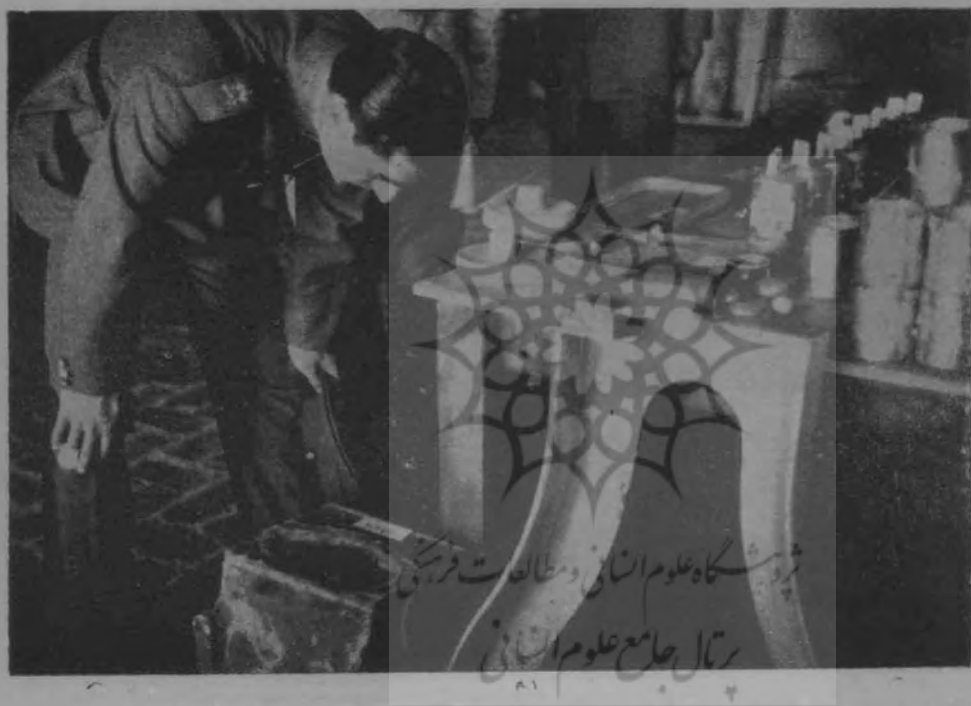
در اینخصوص چنانچه تنها به بررسی سطحی اکتفا گردد نتیجه مطلوب عاید نخواهد شد بعکس باید درخصوص هر یک از مطالب مزبور بحث و تحقیق پرداخت زیرا در اثر بحث مطالب درست حلاجی و در نتیجه حقیقت آشکار خواهد شد و در خاطر ها نقش خواهد بست.

از طرف دیگر باید مطالب روانی اخلاقی را در وجود خود مورد آزمایش قرارداد تا بتوان معلومات نظری خود را در زندگی عملی بکار بست پی بردن بیک حقیقت علمی دلیل بر آن نیست که بعداً بتوانتقوم استدلال طبق آن حقیقت عمل نمود از درك حقایق تا آن استعداد که انبساطی که بوسیله آن بتوان از تعلیمات نظری مکتسبه شالوده تصمیمهای خود را استوار ساخت فاصله زیادی موجود است.

بین این دو جد یعنی درك نظری و قدرت عمل کردن گردابی یافت می شود که باید اسلوب بررسی عبور از آن را برای ما میسر سازد (چنانچه نخواهد لایق نام اسلوب عملی باشد).

این است نتیجه مطلوب: رسیدن از درك نظری بهر فرمان دادن و از حقیقت

مکتسبه بعملی ساختن آن.



اعلیحضرت همایون شاهنشاه در کارخانه شماره ۴



پروفیسر شکار علی شاہ
پرنسپل جامعہ اسلامیہ

پرنسپل جامعہ اسلامیہ

پرنسپل جامعہ اسلامیہ

برای اینکار باید مطالعه را بقسمی انجام داد که شامل بکار بردن اصول ثابت حاصل از علوم روانشناسی و اخلاق در موارد مفروض باشد .
گفتیم در موارد مفروض نه موارد عمومی زیرا در عمل فرماندهی جز موارد مفروض چیز دیگری یافت نمیشود در عمل فرماندهی همه چیز مخصوص بخود میباشد و کمتر تکرار میشود .

در حقیقت مفروضات مسئله در موارد مختلف بکلی متفاوت هستند :

- شخصیت زیردستان که بنوبه خود تابع فطرت تربیت و محیط آنان میباشد یکسان نیست و دائماً در تغییر و در نتیجه در هر مورد بخصوص مستلزم رفتار متفاوتی است مثلاً برای متنبه ساختن فلان سرباز یا فلان افسر تنها تذکر شفاهی کافی است در صورتیکه برای سرباز دیگر حداکثر مجازات قانونی نیز کفایت نمی کند .

- محیط خدمت نیز در طرز ادای وظیفه افسران دخالت میکند و مفروضات مسئله را تغییر میدهد مثلاً طرز ادای وظیفه در استاد، در اداره نظام و وظیفه، در دادرسی ارتش، در لشکرها یا در دانشکده افسری بکلی از هم متفاوت است .
- بالاخره موقعیت نیز در طرز ادای وظیفه دخالت تام دارد مثلاً طرز عمل افسران در هر یک از موارد بالا در موقع صلح یا هنگام جنگ بهیچوجه یکسان نیست همچنین طرز انجام دادن مأموریت در مقابل دشمن خارجی یا نمرود فلان ایل داخلی یا تسکین فلان حادثه شهری یکمواخت نمیباشد .

از مطالب بالا چنین نتیجه میشود که هر موردی مخصوص بخود میباشد یعنی در شرایط مخصوصی (شخصیت زیردستان - محیط خدمت - موقعیت) اتفاق می افتد و مستلزم راه حل ویژه ایست در حقیقت در هر وضع بخصوص بعضی از مفروضات اهمیت می یابد و برخی دیگر از اهمیتشان کاسته میشود .

بایکسان نبودن موارد قهراً عدم قدرت حافظه برای حل آنها ظاهر میگردد (بیهوده بودن اشکال غیر قابل تغییر، نمونه ها، قواره ها و غیره) در نتیجه یک راه حل منطقی باقی و آن عبارت است از :

بکار بردن اصول ثابت که طرز عمل آن ها بنا بر موارد مختلف قابل

تغییر است .

اصول ثابت که بنا بر موارد و در هر وضعی که مخصوص بخود می باشد (و باید طبق آنچه هست در نظر گرفته شود) بطور متفاوت بکار برده میشوند: این است نتیجه بررسی های ما آیا این موضوع هنگام اجرا باعث تشتت افکار (که مقصود ما از بین بردن آن بوسیله ایجاد وحدت نظر و انضباط معنوی است) نخواهد گشت.

یقیناً خیرا کنون هر قدر این موضوع غیر عادی بنظر آید باز توافق نظر در اثر بکار بردن اصول ثابت در موارد مختلف تولید خواهد شد و این مسئله بیشتر در اثر طرز یکنواخت قضاوت نمودن موضوع یعنی طرز تمام مثبت حاصل میگردد: از طرز نگاه کردن واحد بدو آ طرز دیدن واحد بدست می آید. از طرز دیدن واحد یک طرز رفتار واحد تولید میگردد.

این موضوع بزودی عادی خواهد شد: این خود نتیجه دیگر مطلوب ما است آنچه گفته شد محتاج بتفسیر است.

از طرز نگاه کردن واحد یک طرز دیدن واحد بدست می آید همانطور که منظره یک عمارت بنا بر سمت نگاه کردن بآن متفاوت است و برای کلیه تماشاچیان که از طرف واحد بآن نگاه کنند یکسان جلوه میکند بهمان ترتیب نیز مسائل روانی - اخلاقی چنانچه از نقطه نظر واحد در نظر گرفته شوند مستلزم جواب واحدی میباشند از طرف دیگر در عمل تنها یک طرز نگاه کردن بموضوع منطقی و آن عبارت از طرز مثبت است.

در عمل هیچ کاری بدون دلیل اجرا نمیشود و بدون مقصد انجام نمیگیرد. مقصود نامبرده همیشه معین شد طرز رفتار ما را مشخص خواهد ساخت برای تعیین مقصود طرز عمل و وردی دو ورنوا، در میدان جنگ، ناشو، مثال بسیار خوبی است وردی دو ورنوا در مقابل اشکالات موجود دستی به پیشانی خود کشیده و در حافظه خود یک نمونه یا یک دستوری جهت طرز رفتار خود در آن موقع جستجو میکند لیکن هیچ چیز بخاطرش نمیرسد ناگهان چنین میگوید: «دور باد هر چه تاریخ و دستور است: پس از تمام اینها ببینیم مقصود چیست؟» در این وقت فکرش در خصوص راه حل مسئله بزودی روشن میگردد این است طرز حقیقی حل مسائل

عملی باید یک عملی را بوسیله مقصود آن و همیشه با این سؤال در نظر گرفت مقصود چیست ؟

این طرز نگاه کردن و دیدن واحد بیک طرز رفتار واحد منجر میشود بعلاوه همینکه مسئله بترتیب بالا (یعنی بطور مثبت) طرح گردد بخودی خود جوابش بدست می آید : وفق دادن کامل رفتار خود با مقصود این طریقه حل منطقی مسئله است زیرا خارج از هر نوع نمونه قبلی تنها تحت نفوذ مورد بخصوص واقع گشته و طبق آنچه که هست حل میگردد .

رفتار منطقی متعاقب بررسی مثبت نخستین نتیجه حتمی و عمومی است که نصیب اشخاصی خواهد شد که با سؤال ، مقصود چیست ، مسائل را در نظر گیرند بعد عادت حاصل در نتیجه این نوع بررسی خواه ناخواه باعث خواهد شد که مسائل طرح شده بر حسب درجه عادت فکری حل گردند .

وردی دو ورنوا در این خصوص یک مثال خوبی است زیرا تاریخ و نمونه ها را از خود دور ساخته لیکن نتایج حاصل از آنها را مورد استفاده قرار داده است نامبرده بدون درک صحیح مطلب بدون عادت بتفکر نمودن، بحث کردن و تصمیم گرفتن نمیتوانست در مقابل چنین وضع دشواری تصمیم بگیرد .

مثال دیگری که متعارف تر است مطلب را بخوبی روشن میسازد :

در مقابل یک شکارچی شکاری بلند میشود چنانچه از راست بچپ بدو دشتکارچی بجلو و بچپ نشانه خواهد رفت در صورتیکه از چپ بر راست بدود بجلو و بر راست چنانچه بطرف او بدود نزدیکتر و چنانچه از او دور شود دور تر نشانه خواهد رفت .

در هر یک از موارد بالا شکارچی اصل ثابت در یک خط قرار دادن سه نقطه یعنی خط نشانه و هدف را بطور متفاوت بکار میبرد .

اکنون ببینیم طرز بکار بردن این اصل را چگونه بدست میآورد ؟ آیا برای اینکار استدلال میکند ؟ خیر زیرا وقت کافی ندارد. این طرز بکار بردن اصول خود بخود از رؤیت هدف در وضع حقیقی آن برایش مشخص میگردد : هدف از چپ بر راست یا بالعکس و با فلان سرعت حرکت میکند (طرز دیدن مثبت) .

در نتیجه این طرز رؤیت سریع عادتاً کلیه وسائش در سمت و احد متمرکز میگردد: چشم باز و تفنگ و غیره (هنر رفتار نمودن منطقی بر حسب عادت و بدون تفکر).

پس برای بکار بردن اصول باید مقصود را طبق آنچه هست (در وضع مفروض) در نظر گرفت.

نکته مهم دیگر آنکه بعضیها چنین تصور میکنند که در خصوص مسائل روانی - اخلاقی احتیاج به بررسی مخصوص نیست و معمولاً فکر و تشخیص خود را ملاک عمل قرار میدهند در صورتیکه حقیقت امر غیر از این است بطور کلی اکتشافهای مهم بشر بطور آمپیری یعنی بر حسب تجربه و بدون تعقل بدست میآیند مثل کشف بخار هوا کسن، برق و غیره قریحه این موهبت طبیعی خود بخود اکتشاف میکند و این موضوع عبارت از هنر است بعد کار و قایع را مجدداً در نظر میگیرد و آنها را تجزیه و طبقه بندی میکند، رابطه بین علت و معلول را برقرار مینماید و در نتیجه منطقی و قوانین یعنی علم بدست می آید موضوعهای روانی - اخلاقی نیز همینقسم است.

چنانچه قریحه مانند کار در دسترس همگی می بود در اینصورت ما چنین ادعا میکردیم:

قدرت مطلق قریحه و ناتوانی کامل کار
بعکس نظر بگمیایی قریحه که مانند تمام مواهب بزرگ طبیعی نادر است.
ما چنین میگوئیم: قدرت کار، اسلوب و علم زیرا می بینیم که کار در سهای قریحه را جمع آوری و آنها را تعبیر و تشریح میکند آیا آنچه را که قریحه بوجود میآورد بهترین قانون نیست و آیا کار جز ثابت نمودن اینکه چرا و چگونه اینطور شده است میتواند کار دیگری بنماید (کنز ویتز) همچنین زیرا می بینیم که علم بعد میآید و عده زیادی از پیروان خویش را از نتایج خود بهره مند میسازد و مطالب مختلف و مهم را در دسترس فهم افکار متوسط میگذارد و یکرشته اصول عملی بدست میدهد که بهترین ضامن وحدت فکر میباشد و در نتیجه ابتکارهای شخصی و تصمیمهای منطقی را باعث میگردد بالاخره زیرا نتایج کار، اسلوب و علم را همه روزه می بینیم.

همینکه اصول بالا روشن شد اکنون به بیینیم برای بررسی بچه ترتیب بهتر است رفتار نمود.

بدو موضوع عبارت از درک حقایق است در نتیجه باید آزادی فکری داشت پس هیچگونه عقیده بی بررسی، رأی باطل، فکر قبلی، سبق ذهن، عقیده ایکه بدون بحث قبول گردد (تنها بدلیل آنکه همیشه آنرا شنیده یا خوانده ایم) نباید موجود باشد تنها یک قاضی موجود و آنهم عقل است بعد باید حقایق مزبور را بدو در وجود خود بعد نسبت بنزدیکان و زیر دستان خود مورد آزمایش قرار داد بهیچوجه نباید بفکر تشبیه بود همچنین نباید از حافظه استمداد طلبید زیرا حافظه به نخستین اضطراب از بین میرود بالاخره نباید از هیچگونه نمونه، طرح یا نقشه ای تقلید کور کورانه نمود مامیخواهیم در میدان عمل با حس قضاوت و رزیده ای حاضر گردیم برای اینکار کافی است که از امروز قوه قضاوت خود را ورزیده سازیم برای این منظور باید قبلاً ببینیم که علت وقوع امور از چه قرار است زیرا علت مزبور طرز رفتار ما را روشن خواهد ساخت.

بالاخره میخواهیم که حقایق را خود بخود و بسرعت بکار بریم برای اینکار لازم است که حقایق مزبور با ما مانوس شوند و داخل عروق و جزء لاینفک ما گردند اشخاصی که با ایمان بدنیا میآیند خوشبخت لیکن نادر هستند بهمین ترتیب نیز اشخاص تعلیم یافته و ورزیده خلق نمیشوند هر یک از ما باید عقیده، ایمان، دانش و عضلات خود را شخصاً تشکیل دهیم در اینجا نیز نتیجه بشکل الهام یا بشکل نموانی قوای ما بدست نخواهد آمد تنها در اثر عمل دائمی جذب و تحلیل و یا عبارت دیگر در اثر کار قطره قطره ممکن است به نتیجه رسید آیا سادهترین هنرها مستلزم همینقدر کار نیست؟ کیست بتواند ادعا کند که در چند لحظه یا تنها با چند درس شمشیر بازی، سواری و غیره را خواهد آموخت؟

در حقیقت کار ما هنگام مطالعه مطالب روانی - اخلاقی عبارت از توسل دائمی با استدلال است پس از مطالعه بهتر است افکار مهم را یاد داشت نمود تنها بدین ترتیب افکار در جهت مثبت توسعه می یابند و اصول جذب میگردند و این موضوع تاحدی که پایه تصمیمهای بعدی ما را تشکیل میدهند.

در آینده از ما چنین خواسته میشود که مغز ارتش را تشکیل دهیم برای اینکار باید از امروز مغز خود را در اثر بررسی مسائل روانی - اخلاقی توسعه دهیم ضمناً بطرز تفکر صحیح عادت نمائیم.

در این جا بی مناسب نیست که گفته معروف ویلیامز بار دیگر تکرار گردد :

«از دانستن تا توانستن باندازه يك جستن فاصله است لیکن این فاصله از دانستن است تا توانستن نه از ندانستن.»



برای پی بردن بمطالب روانی - اخلاقی از شماره آینده کتاب خلاصه فلسفه، تألیف پروفسور فولکیه فرانسوی بتدریج منتشر خواهد شد این کتاب مطالب روانی - اخلاقی را به بهترین وجهی توضیح و تشریح میکند و مزیت دیگری که شش آن نسبت بسخرازیهای معدود و غیر پیوسته کلاس روانی - اخلاقی دارد آنستکه تمام مطالب فلسفی را بطور منظم و با اسلوبی خاص مورد بحث قرار میدهد و در نتیجه تصور می رود که مطالعه آن برای بالا بردن سطح معلومات عمومی افسران محترم نیز خالی از فایده نباشد. امید است این خدمت ناچیز در نظر

افسران باذوق و خوانندگان دانشمند مقبول افتد :

تاچه قبول افتد و چه در نظر آید.

تا تمام

رتال جامع علوم انسانی